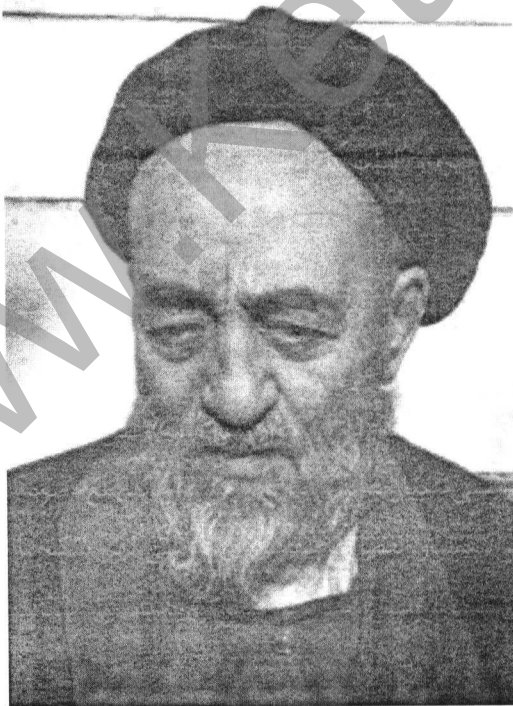


آشنای آسمان

خاطراتی ناگفته و اسنادی منتشر نشده از محمدتقی انصاریان خوانساری

درباره عالم ربانی و مفسر عالیقدر قرآن

آیت الله علامه حاج سید محمد حسین طباطبائی
قدس سره



آشنای آسمان (یادنامه علامه آیت‌الله حاج سیدمحمدحسین طباطبائی) / تهیه و تنظیم محمدتقی انصاریان خوانساری.

قم: انصاریان، ۱۳۹۳.

۲۹۶ ص.: مصور.

ISBN: 978-964-219-430-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- یادنامه‌ها

۲- مجتهدان و علما -- ایران - سرگذشتنامه

الف. انصاریان خوانساری، محمدتقی، ۱۳۲۵-

BP۵۵/۳/۱۷۲

۱۳۹۳

ب. عنوان

۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۳۹۲۴۴

آشنای آسمان

عالم ربانی و مفسر عالیقدر قرآن

آیت الله علامه حاج سید محمد حسین طباطبائی

تهیه و تنظیم: محمد تقی انصاریان خوانساری

ناشر: انتشارات انصاریان

چاپ اول: ۱۳۹۳ - ۱۴۳۵ - ۲۰۱۴

چاپ دوم: ۱۳۹۹ - ۱۴۴۱ - ۲۰۲۰

چاپخانه: نگین

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۲۹۶ ص.

قطع: وزیری

شابک: ۸-۴۳۰-۲۱۹-۹۶۴-۹۷۸



انتشارات انصاریان

قم - جمهوری اسلامی ایران

خیابان شهدا - کوچه ۲۲ - ص. پ ۱۸۷

تلفن: ۳۷۷۴۱۷۴۴ ۲۵ ۹۸ دورنما: ۳۷۷۴۲۶۴۷

پست الکترونیک: Int_ansarian@yahoo.com

www.ansariyan.ir

فهرست

مقدمه	۱۵
خود نوشت علامه	۱۷
۱- دیدار علامه طباطبائی با علامه محمدجواد مغنیه	۲۱
۲- دیدار با علامه طباطبائی پس از بازگشت از مشهد مقدس	۲۳
۳- کرامات و معجزاتی از حضرت امام رضا علیه السلام که علامه طباطبائی نقل می فرمودند. .	۲۵
۴- بازدید علامه طباطبائی از اصفهان	۲۸
۵- پرسش و پاسخ و شرح مختصری از آیت الله ممدوحی	۳۱
امیرالمؤمنین علیه السلام و شناخت خدا به خدا	۳۲
امیرالمؤمنین علیه السلام و دیدن خدا در همه چیز	۳۳
علم غیب پیامبر صلی الله علیه و آله	۳۴
علم غیب ائمه علیهم السلام	۳۵
شک در خدا شک در عالم است.	۳۶
حقیقت خواب	۳۶
چرایی تکرار داستان حضرت موسی علیه السلام در قرآن	۳۷
خلاصه متن اصلی پرسش و پاسخ از محضر علامه طباطبائی رحمته الله	۳۸
۶- یادی از « المیزان »	۴۹
تصویر نامه عده ای از علما	۵۳

- مکتوب نامه عده‌ای از علما ۵۴
- تقریظ آیت‌الله شریعتمداری ۵۶
- مکتوب نامه تقریظ بر المیزان از آیت‌الله شریعتمداری ۵۸
- قدردانی در حاشیه یادی از المیزان ۶۲
- ۷- ملاقات و گفتگویی جالب با علامه طباطبائی ۶۴
- ۸- از لابه‌لای خاطرات ۶۶
- دقائق ملکوتی ۶۶
- عبای زیرانداز ۶۶
- جلسه پس از ذکر توسل ۶۷
- خاطره‌ای دیگر: ۶۷
- تقوای فکری ۶۸
- چشمان پرفروغ ۶۹
- ۹- می‌شود از من نپرسید ۷۱
- حکایت چاپ کتاب شیعه در اسلام به زبان انگلیسی ۷۱
- ۱۰- خاطره‌ای دیگر در محضر علامه طباطبائی ۷۴
- من آیت‌الله بروجردی را حاکم شرع می‌دانم ۷۴
- ۱۱- آشنایی با خاندان علامه ۷۷
- ۱۲- خدا را فراموش نکن ۷۹
- بیوتات ماندگار ۷۹
- ۱۳- دیدار تازه در بزرگداشت ۸۱

- ۱۴- با آیت‌الله نجفی همدانی در خانهٔ علامه ۸۳
- ۱۵- مخاطب شناس دانشجویان ۸۴
- ۱۶- زیبا از هر زوایه ۸۶
- ۱۷- یادی از یادنامه ۸۷
- دوست و همکار ارجمندم جناب حاج علی آقا وافی ۸۸
- صد سال اگر با صد زبان مدحت سرایم از صد یکی وصف تو را گفتن نشایم ۸۸
- ۱۸- قطب‌نمای استعدادیاب ۹۱
- ۱۹- شنیده‌هایی از علامه طباطبائی ۹۳
- داستان اول ۹۳
- هدایت در عالم برزخ ۹۳
- داستان دوم ۹۴
- هدایت با پرسش از معصوم علیه السلام ۹۵
- مناظره علامه فقید آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای با عالم سنی ۹۶
- ۲۰- آیت‌الله حاج سید موسی شبیری زنجانی ۱۰۲
- یادآوری عمامه به علامه ۱۰۲
- ۲۱- خاطرات شنیده شده از دیگران راجع به علامه طباطبائی ۱۰۴
۱. همراهی شهید مطهری با علامه ۱۰۴
۲. آیت‌الله جوادی آملی ۱۰۶
- شیعه در اسلام و قرآن در اسلام ۱۰۶
۳. آیت‌الله ابراهیم امینی ۱۰۷

- گریهٔ علامه در سوگ همسر..... ۱۰۷
- مرحوم روزبه و کراماتی از اهل بیت علیهم السلام..... ۱۰۸
- بشارت عبدالباقی از مرحوم قاضی..... ۱۰۹
- شهادت، مقام صعود اعمال..... ۱۱۰
- رؤیای حضور علامه در باغی بزرگ..... ۱۱۱
- ۴. آیت الله حاج سید مهدی ابن الرضا..... ۱۱۴
- تأسیس حوزه با سرمایه ۳۰ ریالی..... ۱۱۶
- نوید علامه به تأسیس حوزه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف..... ۱۱۷
- درخواست از امام رضا علیه السلام و دیدن علامه..... ۱۱۸
- ۵. آیت الله محمد تقی مصباح یزدی..... ۱۲۱
- شنیده‌ها از لابه‌لای یادداشتها، فرموده‌های آیت الله مصباح..... ۱۲۲
- ۶. انس علامه با آیت الله بهجت..... ۱۲۴
- خاطراتی از حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی آقا بهجت..... ۱۲۴
- اهداء پول زیارت به استاد..... ۱۲۶
- جایگاه عقلانیت در سلوک علامه..... ۱۲۷
- امام جماعت اهل معنا..... ۱۲۸
- برپایی روضه هفتگی در خانه..... ۱۲۸
- آگاهی علامه از احوالات..... ۱۲۹
- احوالات مرحوم نائینی رحمته الله..... ۱۳۰
- خداحافظی علامه با نجف اشرف..... ۱۳۰

- آیت‌الله بهجت و آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۱
- علامه، زنده کننده نام آقای قاضی ۱۳۲
- ۷. مجله وزین مکتب اسلام ۱۳۳
- علامه طباطبائی ۱۳۳
- تبیین آزادی تکوینی با آزادی تشریعی ۱۳۳
- آیت‌الله مکارم شیرازی ۱۳۵
- اهداء کليد انتخابگري به محققان ۱۳۵
- آیت‌الله سبحانی ۱۳۶
- استاد سه مکتب فلسفی ۱۳۶
- کارهای تحقیق پیرامون فلسفه اسلامی ۱۳۷
- حجت‌الاسلام والمسلمین کامل خیرخواه ۱۳۸
- آیت‌الله بروجردی: از علامه پیرسید ۱۳۸
- شهید مطهری: علامه و مجرد برزخی ۱۳۹
- آیت‌الله خوئی: علامه مغز متفکر ۱۴۰
- حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر حسنی لنگرودی ۱۴۱
- تنها موعظه علامه: فاذا کرونی اذکرکم ۱۴۱
- علاقه و اخلاص نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ ۱۴۱
- ۸. استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سید حسین نصر ۱۴۴
- بداية الحكمه و نهاية الحكمه ۱۴۴
- ۹. استاد مکرم جناب آقای دکتر علی قائمی ۱۴۶

- خدا را از یاد بردن در واقع فطرت خود از یاد بردن است. ۱۴۶.....
- ۱۰. خاطراتی از آیت‌الله ممدوحی کرمانشاهی ۱۴۹.....
- روزها هم با نور دیگری حرکت می‌کنم. ۱۴۹.....
- ۱۱. خاطراتی از آیت‌الله حاج شیخ محمد علی گرامی ۱۵۰.....
- راهنما و رهنمون در زندگی خصوصی ارادتمندان و بویژه شاگردان ۱۵۰.....
- ۱۲. خاطراتی از آیت‌الله حاج شیخ حسین انصاریان ۱۵۴.....
- راه رسیدن؛ نماز شب، گریه بر امام حسین علیه السلام ۱۵۴.....
- ۱۳. خاطراتی از آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی ۱۵۵.....
- قدرشناسی استاد و هم مباحثه ۱۵۵.....
- ۱۴. آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر مسعودی خمینی ۱۵۶.....
- دستورالعملی که موجب تکامل در زندگی مادی و معنوی شد ۱۵۶.....
- خاطره اول ۱۵۷.....
- خاطره دوم ۱۵۸.....
- ۱۵. خاطراتی از حجت‌الاسلام والمسلمین تقی‌زاد ۱۵۹.....
- امام حسین علیه السلام کسی را از خود جدا نمی‌کند ۱۵۹.....
- تنها به حضرت ابوالفضل علیه السلام امیدوارم ۱۵۹.....
- عصا ره دین و قرآن بسم الله الرحمن الرحیم است ۱۶۰.....
- ۱۶. خاطراتی از حجت‌الاسلام والمسلمین رسولی اراکی ۱۶۱.....
- بگذار امام رضا علیه السلام بروم بعداً ۱۶۱.....
- ۱۷. خاطراتی از حجت‌الاسلام والمسلمین آل طه ۱۶۳.....

- به دنبال ثبت نام در مجلس امام حسین علیه السلام ۱۶۳
- ۱۸. خاطراتی از حجت الاسلام والمسلمین سید محمد ثقفی ۱۶۵
- فکر جواب قیامت باشید ۱۶۵
- ۱۹. حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای مهدیپور ۱۶۶
- اللهم صل علی فاطمه و آبیهما و بعلمها و بنیهما ۱۶۶
- ۲۰. حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای پارسا ۱۶۹
- مقاله انصاریه ۱۶۹
- قدر این مراقد را بدانید ۱۷۰
- تعلیم و تدریس خطاطی توسط علامه طباطبائی ۱۷۰
- یک استاد اخلاق غیر از آقای قاضی ۱۷۱
- برای حزن و اندوه و مصیبت برسم آن زمان کاه بر سر مردم می ریختم ۱۷۳
- از روز عاشورا تا اربعین زیارت عاشورا خواندن ۱۷۵
- می خواهم روضه مشرف بشوم ۱۷۵
- مهر را می بوسید - افتخار ما همین است ۱۷۵
- آقای طباطبائی در جامعیت اگر بی نظیر نبود کم نظیر بود ۱۷۶
- ۲۱. استاد نصرت الله شادنوش ۱۷۹
- ۲۲. دانشمند مکرم جناب آقای حاج آقا مرتضی آخوندی ۱۸۱
- مناعت طبع و بزرگواری علامه طباطبائی در مورد چاپ بحار الانوار ۱۸۱
- ۲۳. جناب آقای عبدالحمید سیفی ۱۸۷
- پاسخی از کنار مرقد امام رضا علیه السلام ۱۸۷

- در کنار تندیس آرامش ۱۸۸.
- کارگزار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۹۱.
- در روضه کنار کفشها نشستن ۱۹۴.
- در همه حال به یاد خدا باشیم ۱۹۴.
- ۲۴. خاطراتی از جناب آقای حاج حسین آقا کاغذیان ۱۹۶.
- و بیمنه رزق الورا و بوجوده ثبت الارض والسماء ۱۹۶.
- ۲۵. خاطراتی از استاد حاج ابوالفضل عربزاده ۱۹۸.
- هر کس کار و بار خودش ۱۹۸.
- علال الفاسی: اگر علامه را بردارند چه باقی می ماند؟ ۱۹۹.
- ۲۶. خاطراتی از استاد جناب آقای دکتر باهر ۲۰۰.
- روی تخت هم دائم الذکر بود. ۲۰۰.
- ۲۷. مرحوم حاج شیخ محمد مهدی انصاریان و آیت الکرسی ۲۰۱.
- ۲۸. حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین بهجتی (شفق) ۲۰۲.
- در رثای علامه ۲۰۲.
- ۲۹. آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب ۲۰۵.
- سه یار دبستانی ۲۰۵.
- تذکاری در خاتمه ۲۰۵.
- ۲۲- شمع شب افروز زندگی ۲۰۶.
- ۲۳- شاگردان علامه طباطبائی ۲۱۲.
- ۲۴- دست نوشته ای از استاد احمد مسجدجامعی درباره علامه طباطبائی ۲۱۴.

- ۲۵- تصاویر بعضی از مجلات خارجی که در آرشیو ما بود..... ۲۱۶
- ۲۶- آثار علامه طباطبائی به زبانهای مختلف ۲۱۸
- ۲۷- حجت الاسلام والمسلمین امیرحسین مناقبی ۲۱۹
- ۲۸- جناب آقای محمدی اردهالی ۲۱۹
- ۲۹- جناب آقای حاج محمد حسین قدوسی ۲۱۹
- دست خط آیت الله مرعشی نجفی راجع به تفاسیر قرآن و تفسیر المیزان ۲۲۱
- مکتوب آیت الله مرعشی نجفی راجع به تفاسیر قرآن و تفسیر المیزان ۲۲۷
- دست خط علامه طباطبائی راجع به ترجمه تفسیر المیزان ۲۳۲
- مکتوب علامه طباطبائی راجع به ترجمه تفسیر المیزان ۲۳۶
- دست خط آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی راجع به ترجمه تفسیر المیزان ۲۴۰
- نامه علامه طباطبائی رحمته الله علیه به آیت الله میلانی در مشهد مقدس ۲۵۰
- مکتوب نامه علامه طباطبائی رحمته الله علیه به آیت الله میلانی در مشهد مقدس ۲۵۵
- بعضی از تصاویری که نام شخصیت های آنها در این جزوه آمده است: ۲۵۷

مقدمه

خاطره‌های حقیر از مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله علیه به سالهای دور و به قبل از سال ۱۳۴۰ شمسی باز می‌گردد آن زمان که این عالم ربانی در کوچه باغ، نزدیک محله تکیه خلوص که از طرف دیگر هم نزدیک محله یخچال قاضی بود سکونت داشت، آن روزها منزل ما هم در همان محدوده شهر مقدس قم بود و همین نزدیکی موجب شد تا من ایشان را گاه در منزلشان و یا در رفت و آمد به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام زیارت کنم، گاهی هم این توفیق نصیب من می‌شد که ایشان را در مجالس روضه در بیوت مراجع و یا در محله‌ها و خانه‌ها و مکان‌های تدریس، ملاقات کنم. در آن سالها پس از رحلت این عالم ربانی گاه و بیگاه در مجالس و محافل مذهبی و یا نشست‌های دوستانه وقتی به مناسبتی نام این عالم بزرگوار به میان می‌آمد، خاطره‌ای از خود و یا شنیده‌هایی از موثقین نقل می‌کردم که مورد توجه حضار قرار می‌گرفت، برخی از فضلا و دوستان از حقیر می‌خواستند که این خاطرات را در جایی ثبت کنم اما مشغله‌های زیاد مانع آن می‌شد تا این که چندی پیش خداوند این توفیق را نصیب حقیر کرد که قلم به دست گرفته و آنچه خود به یاد داشتم را به رشته تحریر درآورم.

بی شک مطالب راجع به مرحوم علامه طباطبائی که تا به امروز نوشته و منتشر شده، آنقدر زیاد است که برخی گمان می‌کنند دیگر کسی خاطره‌ای از او ندارد، در مطالعه مقالات و کتابهایی که درباره ایشان نوشته شده است، به این نکته رسیدم، خاطراتی که من از علامه دارم و یا از بزرگان شنیدم، تاکنون به نظر دوستداران این عالم فرهیخته نرسیده است به همین خاطر وقتی که مطالب این جزوه را برای برخی از بزرگان و دوستان و ارادتمندان آن مرد بزرگ نقل می‌کردم، آنان می‌فرمودند: این خاطرات جنبه تاریخی و یا اخلاقی و یا درسی دارد، ثبت و درج آن بی‌حکمت و بی‌اجر نخواهد بود، گذشته از اینکه خودم از این

داستانها و دید و بازدیدها و خدمتگزاری‌ها به این عالم درسها آموختم و همین درس‌آموزی‌ها موجب شد که کارهای فرهنگی و دینی و اجتماعی‌ام این گونه شکل بگیرد و ساخته و پرداخته شود.

بزرگان دین و علم و ادب درباره این شخصیت کم نظیر تاریخ تشیع سخنها گفته‌اند و این عالم ربانی از چنان جایگاهی در نزد آنان برخوردار است که هرکسی اندک زمانی هم که با او بوده است به خود حق می‌دهد درباره ایشان سخنی بگوید و به نظر این حقیر که توفیق درک به محضر او را داشتم این بود که نقطه اساسی و بارزی که خداوند تبارک و تعالی به او ارزانی داشت تا «محمدحسین طباطبائی»، «آیت‌الله علامه طباطبائی» شود، کوچک بودن دنیا در چشم او و بزرگ بودن خدا در نگاهش همانند متوجهان دلداده در نهان با خدا و پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام، همراه و هم‌گام بود. گویا «کلمة التوحید و توحید الکلمة» در ظاهر و باطنش موج می‌زد و او مصداق این فراز از ادعیه‌ای بود که می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ، إِحْبَاتَ الْمُخْبِتِينَ، وَإِخْلَاصَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُرَافَقَةَ الْأَبْرَارِ وَ...»

حقیقتاً او از ابراری بود که در آسمان بیش از زمین شناخته شده بود و هر کس لحظه‌ای کنار او می‌نشست احساس می‌کرد این آشنای آسمان برای رفتن از روی زمین بی‌قراری می‌کند.

آنچه پیش روی عزیزان است، نه بحثی است علمی و نه حتی شرح حال نویسی عالمی بزرگ، شنیده‌ها و دیده‌های این کمترین، از مردی بزرگ است که بزرگیش هنوز در میان ابرهای ذهنی و فکری و قضاوت‌های نادرست برخی پنهان است.

ادای دینی است به آن عالم زاهد در برابر برخی بداخلاقی‌های زمانه، امید آنکه مقبول افتد.

خودنوشت علامه

خودنوشت عالمان که متأسفانه در بین همه علما مرسوم نبوده است، متقن‌ترین و موثق‌ترین متن از زندگی آنان است، تنها نقصان این خودنوشت‌ها نپرداختن به روحیه‌ها و حالات معنوی و رسیدن به مراتب بالای علمی در این نوع نوشتار است که به اخلاص و اخلاق نیکوی آنان در گمنام ماندن باز می‌گردد. به رسم ادب، متقن‌ترین و موثق‌ترین شرح حال زندگی این عالم فرهیخته را که همان خودنوشت زندگی علامه به قلم خود است را تقدیم عزیزان می‌کنیم.

«من در خاندان علمی در شهر تبریز که از زمان‌های دور شهرت علمی پیدا کرده متولد شدم، در پنج سالگی مادرم را و در نه سالگی پدرم را از دست دادم، و از همان کودکی درد یتیم بودن را احساس نمودم ولی خداوند متعال بر ما منت نهاد و زندگی را از نظر مادی بر ما آسان نمود، وصی پدرم به منظور عمل به وصیت آن مرحوم از من و برادر کوچکترم مواظبت می‌کرد و با اخلاقی نیکو و اسلامی از ما نگهداری می‌کرد، با اینکه همسرش از ما بچه‌های کوچک مراقبت می‌کرد خادمی را نیز به این منظور استخدام کرد.

مدتی از عمرمان که گذشت به مدرسه راه یافتیم و زیر نظر معلم خصوصی که هر روز به منزل ما می‌آمد به آموختن زبان فارسی و آداب آن و درس‌های دیگر ابتدایی پرداختیم و پس از شش سال از آن درس‌ها فارغ شدیم. در آن زمان برای درس‌های ابتدایی برنامه مشخصی وجود نداشت بلکه هنگام ورود دانش‌آموز به مدرسه برنامه‌ای به صورت مقطعی تهیه می‌شد و هر کسی بر حسب ذوق و استعداد خود تعلیم می‌دید. من درس قرآن کریم (که پیش از هر چیز آموزش داده می‌شد) و «گلستان» و «بوستان» سعدی شیرازی، «نصاب الصبیان»، «انوار سهیلی»، «اخلاق ناصری»، «تاریخ»، «معجم»، «منشآت امیرنظام» و «ارشاد الحساب» را به پایان بردم.

اینگونه بود که بخش اول تحصیلات من به پایان رسید. سپس به فرا گرفتن علوم دینی و زبان عربی پرداختیم و بعد از هفت سال متن‌های آموزشی را که آن زمان در حوزه علمیه مرسوم بود فرا گرفتیم، در طی این مدت، در علم صرف و اشتقاق کتاب‌های: «امثلة»، «صرف میر» و «تصریف» در نحو کتاب‌های: «العوامل فی النحو»، «انموذج»، «صمدیه»، «الفیه ابن مالک» همراه با «شرح سیوطی» و کتاب «نحو جامی»، «مغنی اللیب» ابن هشام، در معانی و بیان: کتاب «المطول» تفتازانی، در فقه: «الروضة البهیة» معروف به «شرح لمعه» شهید ثانی، «مکاسب» شیخ انصاری، در اصول فقه: کتاب‌های «المعالم فی اصول الفقه»، «قوانین الاصول» میرزای قمی، «رسائل» شیخ انصاری، «کفایة الاصول» آیت‌الله آخوند خراسانی، در منطق: کتاب‌های «الکبری فی المنطق»، «الحاشیة»، «شرح الشمسیة»، در فلسفه: «الاشارات و التنبیہات» ابن سینا، در کلام: «کشف المراد» در شرح تجرید خواجه نصیرالدین را خواندم و این گونه بود که متن‌های درس غیر از فلسفه متعالیه و عرفان را به اتمام رساندم.

برای تکمیل درس‌های اسلامی خود به نجف اشرف مشرف شدم و در درس استاد آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی حضور پیدا کردم. همچنین به مدت شش سال متوالی خارج اصول فقه را خواندم، در طی این مدت درس‌های عالی فقه شیعی را نزد استادمان آیت‌الله نائینی تحصیل کردم و نزد آن بزرگوار دوره کامل خارج اصول فقه را نیز به مدت هشت سال به پایان بردم، و در کلیات علم رجال نزد مرحوم آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای درس خواندم.

استاد من در فلسفه اسلامی، حکیم اسلامی استاد سید حسین بادکوبه‌ای بود که نزد آن حضرت کتاب‌های منظومه سبزواری، اسفار و مشاعر ملاصدرا، شفاء ابن سینا، تمهید القواعد ابن ترکه و اخلاق ابن مسکویه را خواندم.

استاد بادکوبه‌ای ضمن ابراز علاقه وافر به بنده، خود بر درس‌هایم اشراف کامل داشت و سعی می‌نمود که ریشه‌های تربیت را در اعماق وجود من مستحکم سازد و همواره مرا به مدارج اندیشه و راه‌های استدلال راهنمایی می‌فرمود، تا اینکه در طرز تفکر خود بر آن روش خو گرفتم، سپس به من فرمود تا در درس استاد هیئت و نجوم سید ابوالقاسم خوانساری حاضر شوم. من نیز نزد او دوره کامل ریاضیات عالی و علم هندسه در هر دو بخش: هندسه فضائی و هندسه مسطحه و جبر استدلالی را خواندم.

سپس به علت نابسامانی وضع اقتصادی به ناچار به وطن خود بازگشته و در شهر تبریز زادگاه خود منزل گزیدم، در آنجا بیش از ده سال اقامت کردم و در واقع آن روزها روزهای سیاهی در زندگی من بود زیرا به علت نیاز شدید مادی که برای گذراندن زندگی داشتیم از تفکر و درس دور گشته و به کشاورزی مشغول شدم،

زمانی که در آنجا بودم احساس می‌کردم که عمرم تلف می‌شود فقر و تهیدستی روح مرا تیره و تار نموده و ابرهای درد و رنج بر روی من سایه می‌گستراندند، چرا که از درس و تفکر دور بودم، تا اینکه دیده خود را بر وضع زندگیمان بستم و شهر تبریز را به مقصد شهر مقدس قم ترک گفتم.

هنگامی که به این شهر وارد شدم احساس کردم از آن زندان رنج و درد رهایی یافتم، و خدای مَنّان را شاکرم که دعای مرا اجابت نمود و در راه علم و آماده‌سازی رجال دین و تربیت نسل صالح برای خدمت به اسلام و شریعت محمدی، توفیق را نصیب من ساخت، و تاکنون روزگارم در این شهر مقدس که حرم رسول الله ﷺ است، سپری شده است.

البته، برای هر کس در طول زندگی به مقتضای شرایط روزهای تلخ و شیرینی وجود دارد، به خصوص برای من از این جهت که مدتی از عمر خود را با یتیمی و دوری از دوستان خود گذراندم و با تمام وجود درد یتیمی را لمس کردم و با حوادث دردناکی در طول زندگی خود روبرو شدم ولی خداوند مَنّان مرا از یاد نبرده، لحظه‌ای به خود وا نگذاشت. و

همواره با نفحات قدسی‌اش مرا در لغزشگاه‌های خطرناک یاری کرده است و احساس می‌کنم که گویی قدرتی پنهانی مرا به خود جذب نموده و تمام موانع را از سر راه من برداشته است.

هنگامی که کودک بودم درس صرف و نحو را می‌آموختم، هیچ رغبتی در خود برای ادامه درس و تحصیل نمی‌یافتم، چهار سال گذشت و من نمی‌فهمیدم که چه بخوانم، ولی به ناگاه آرامش در وجودم پدید آمد که گویی انسانِ دیروزی نیستم، و در راه علم و اندیشه با جدّیت و درک کامل پیش می‌رفتم، و از آن روز بحمدالله تا آخر روزهای درس که در حدود هفده سال به طول انجامید در راه طلب علم و دانش هیچ‌گونه سستی برایم پیش نیامد و تمام رخدادها و لذت‌ها و مرارت‌های زندگی به فراموشی سپرده، و از همه چیز و همه کس بریدم مگر اهل علم و اصحاب فضیلت، بر نیازهای روزمره اولیه اکتفا کرده، خود را وقف درس و تعلیم و نشر معارف دینی و تربیت طلاب نمودم.

بارها شب را تا به هنگام صبح مشغول مطالعه بودم و به خصوص در دو فصل بهار و پاییز، و چه بسیار معضلات علمی که در طی مطالعه برای من حل شده است و درس فردا را قبل از اینکه روزش فرا برسد خود می‌خواندم تا هنگام رویارویی با استاد هیچ مشکلی برای من باقی نماند».

محمدحسین طباطبائی تبریزی

تم محمدحسین طباطبائی